

فضای مجازی و رسالت حوزه‌های علمیه

گفت‌وگو با دکتر حسن بنیانیان، رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی



اشاره

در گفت‌وگوی پیش رو، به طرح مباحث و موضوعات مطرح درباره فضای مجازی و ارتباط آن با حوزه‌های علمیه پرداخته‌ایم و نظر رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی را خواستار شده‌ایم. دکتر حسن بنیانیان که از صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و از مدیران و کارشناسان باتجربه فضای مجازی به شمار می‌رود، ضمن اشاره به اهمیت و جایگاه فضای مجازی، رسالت بزرگ حوزه‌های علمیه را در مواجهه و استفاده از این فضا یادآور می‌شود. در این مصاحبه، برخی از ابعاد مهم بحث به شکل کاربردی ترسیم شده است.

فضای مجازی و ظرفیت‌های فرهنگی و هویتی ما

فضای مجازی، یک فناوری جدید است که وارد فضای کشور ما شده است و به‌طور طبیعی، بدون اینکه کشورهای مشابه ما برای پذیرش منطقی و معقول این مسئله آمادگی داشته باشند، زمینه گسترش ارتباط جهشی جامعه ما را با جامعه غرب فراهم کرده است. در گذشته، یک فرد برای ادامه تحصیل به جهان غرب ورود می‌کرد و طبیعتاً ابتدا زمینه‌هایی برای گزینش در او ایجاد می‌شد و سپس، به جهان غرب وارد می‌شد که به صورت نسبی، می‌دانست آنجا چه چیزهایی را باید گزینش کند؛ ولی وقتی ماهواره و تلویزیون و فضای مجازی وارد کشورهای جهان سوم می‌شود، این ارتباط جنبه همگانی پیدا می‌کند و هریک از افراد جامعه با توجه به فرصت‌هایی که دارند و نیازهایی که احساس می‌کنند، حجم ارتباطشان با فضای مجازی بیشتر می‌شود؛ یعنی یک نفر عالم دینی که برای زندگی‌اش برنامه دارد، اگر بخواهد از این فناوری‌ها استفاده کند، از قبل می‌اندیشد که چه میزان از وقت خود را برای این مسئله اختصاص می‌دهد و دنبال چه چیزهایی باید بگردد و در واقع، حساب‌شده با این ابزار و این فرصت روبه‌رو می‌شود. طبیعتاً آسیب‌هایش هم برای او کمتر خواهد بود؛ ولی وقتی یک کودک یا نوجوان که به واسطه بی‌برنامگی یکبار سه ماه تابستان تعطیل است و صبح که بیدار می‌شود، هیچ برنامه‌ای ندارد و دنبال ابزاری می‌گردد که خود را سرگرم کند، ناخودآگاه به دامن این پدیده جدید قدم می‌گذارد. او در گذشته با دوستان خود در کوچه و محل ارتباط می‌گرفت و بازی می‌کرد و با وجود اینکه آسیب‌هایی داشت، اما آسیب‌هایش کم بود و در قبال آن، به دلیل خلاقیت‌هایی که در بازی‌ها پیدا می‌کرد، زمینه رشدش فراهم می‌شد؛ ولی امروزه شهرها آپارتمانی شده و امکان بازی در کوچه‌ها نیست و در مقابل، فضای مجازی به‌سرعت در اختیار آنها قرار گرفته است؛ طبیعی است که این وضعیت اگر خوب مهار نشود، می‌تواند تبدیل به زمینه‌ای برای نابودی ظرفیت‌های فرهنگی و هویتی ما بشود.

تشکیل شورای عالی فضای مجازی به فرمان رهبری

پیش از هرکسی، مقام معظم رهبری ابعاد تأثیرگذاری این مسئله را درک کردند و برای اینکه به صورت جدی با مسئله برخورد مدیریتی شود و این مسئله تحت هدایت نخبگان جامعه قرار بگیرد، فرمان تشکیل شورای عالی فضای مجازی را صادر کردند. طبیعت مسئله این بود که این موضوع ذیل شورای عالی فضای مجازی تعریف می‌شد؛ مانند سایر مسائلی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی داریم، مثل: شورای زنان، شورای حوزوی، کمیسیون فرهنگ، شورای فرهنگ عمومی

نباید استفاده از فضای مجازی طوری باشد که از طریق این ابزار مدرن، سرمایه‌های بسیار گران‌قیمت خودمان را که همان نهاد روحانیت و حضور این نهاد به صورت پیوسته و گسترده در مسجد است، نابود کنیم و تنها به این فضا روی آوریم؛ به خیال اینکه می‌تواند جای سنگر مهمی چون مسجد را پر کند. اکنون در خصوص ترویج مسائل دینی، در جامعه ما گاهی تحریک احساسات صورت می‌گیرد؛ مسئله‌ای که می‌توان درباره آن گفت در آن رفتار دینی وجود ندارد؛ بلکه بیشتر احساسات دینی وجود دارد

که همه اینها زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی است. به نظر رسید که فضای مجازی هم به صورت یک کمیسیون و شورای خاصی زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد؛ اما تشخیص درست مقام معظم رهبری این بود که این مسئله آنقدر عمیق است و سرعت گسترش آن زیاد است که باید ظرفیت بالاتری را در اختیار آن گذاشت و مدیران ارشد جامعه همراه با مدیران نخبه و کارشناس، روی هدایت و مدیریت فضای مجازی کار کنند که در عمل، به شکل گیری شورای عالی فضای مجازی منجر شد.

مشکلی که در این بحثها به طور معمول پیش می‌آید، این است که در مسئله یادشده متناسب با توقعات مقام معظم رهبری عمل نمی‌شود. فهم ناقص و عدم دریافت ابعاد مختلف مسئله، یکی از معضلات است؛ یعنی مقام معظم رهبری به لحاظ جایگاه و ظرفیتهای وجودی خودشان، ابعاد مختلف مسئله را می‌بینند و تأثیرات کوتاه مدت و میان مدت و بلندمدت مسئله و تأثیر آن در مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی را به خوبی رصد می‌کنند؛ اما در یک لایه پایین تر، یک نفر می‌شود مسئول اقتصاد و حتی اگر وقت بگذارد و مسئله را بفهمد، بخشی از تأثیرات این مسئله در مقوله اقتصاد را متوجه می‌شود و حساسیت نشان می‌دهد. فرد دیگر، تأثیرات این مسئله را در مسائل فرهنگی یا امنیتی متوجه می‌شود. این هم یک بحث طبیعی است و اهمیت موضوع در ذهن این افراد کوچک می‌شود. ما می‌گوییم اعضای هیئت دولت مسئولیت مشترک دارند؛ اما شما هیچ ردّ پایی از این مسئولیت مشترک در بین آنها نمی‌بینید. هیچ وقت وزیر آموزش و پرورش را نمی‌بینید که به دفتر وزیر صنعت برود و بگوید برای حل مسائل فرهنگی حوزه تولید و صنعت آماده کمک به شما هستیم دلایل این مسئله این است که سازوکار انتخاب مدیران، اجازه رشد به ظرفیت مدیرانمان نمی‌دهد تا مدیر به موضع فعال برسد.

فضای مجازی و مدیریت انفعالی

مسئله دیگر اینکه وقتی کسی به مدیریت می‌رسد، تا مدتی منفعل است؛ یعنی کارهایی را که به آنها ارجاع می‌شود، مدیریت می‌کند؛ نه آنکه مدیر بر حوزه مدیریت خودش تسلط پیدا کرده باشد که به چه اموری باید بپردازد. ما به واسطه مردم سالاری ناقصی که در کشورمان تجربه می‌کنیم و معضلاتی که در فرهنگ سیاسی مان داریم، وقتی یک جناح پیروز می‌شود، اصرار دارد که تمام مدیران را تعویض کند و به تبع مدیران، کارشناس هم تغییر می‌کنند. در نتیجه، به صورت منطقی، نمی‌توانیم انرژی جوانان را در کنار تجربه افراد باتجربه سازمان دهی کنیم و از همه ظرفیتهای استفاده کنیم. یک روز افراط گرایی در استفاده از تجربیات داریم و روز دیگر، در جوان گرایی افراط می‌کنیم و به واسطه این افراط و تفریطها، ظرفیتهای تجربی و علمی خود را با انرژی و خلاقیت جوانانمان پیوند نمی‌دهیم.

مسئله‌ای که بنده روی آن تأکید دارم، این است که ما باید ساختار دولتی و سایر قوا را آسیب شناسی کنیم و کاستیهای قوای سه گانه نسبت به این فضای مجازی که مشغول ایجاد زلزله یا

بیش از هرکسی، مقام معظم رهبری ابعاد تأثیرگذاری این مسئله را درک کردند و برای اینکه به صورت جدی با مسئله برخورد مدیریتی شود و این مسئله تحت هدایت نخبگان جامعه قرار بگیرد، فرمان تشکیل شورای عالی فضای مجازی را صادر کردند. طبیعت مسئله این بود که این موضوع ذیل شورای عالی فضای مجازی تعریف می‌شد؛ مانند سایر مسائلی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی داریم



سونامی در فرهنگ جامعه ما هست را جبران نماییم. فضای مجازی در حال به هم ریختن ارتباطات معمول جامعه ماست؛ به طوری که یک پدر دیگر امکان مدیریت فرهنگی خانواده را ندارد. همچنین، امکانات مدیران در سازمان‌ها در حال تضعیف است و امکان مدیریت جامعه از سوی دولت در حال ضعیف شدن است و امکان مدیریت جامعه از سوی مقام معظم رهبری هر روز سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود و امکان مدیریت جمهوری اسلامی در سطح جهانی هم مشکل‌تر و سخت‌تر می‌شود. همین‌طور، مسئله مدیریت افراد در زندگی شخصی‌شان هم دچار اشکال

شده است؛ یعنی آن‌قدر وقت افراد در فضای مجازی صرف می‌شود که برنامه افراد در زندگی شخصی‌شان هم به هم می‌خورد و برنامه شخصی را نمی‌توان با برنامه‌ریزی قبلی دنبال کرد؛ یعنی فضای مجازی، کارکردهای تخریبی خود را در همه سطوح تحمیل می‌کند.

فضای مجازی و رسالت تاریخی حوزه‌های علمیه

من دوست دارم اینجا چند جمله در باب رسالت تاریخی حوزه‌های علمیه در این مسئله عرض کنم. صرف‌نظر از اینکه چه چیزی در محتوای این پدیده وجود دارد، خود این فناوری با نظام اصیل تبلیغ دینی ما چه می‌کند و چه نکات مثبتی و منفی دارد. بنده یک شیفتگی خطرناک در حوزه‌های علمیه به این مسئله می‌بینم. اینکه حوزه علمیه باید به سرعت با این فناوری آشنا شود و برای تبلیغ دین در سطح جهان و داخل کشور و هم در حوزه‌های نفوذ هر روحانی در هر جایی که هست، از این ظرفیت استفاده کند، بحثی نیست؛ اما باید توجه داشت که ما یک سرمایه تاریخی داریم که مدت ۱۴۰۰ سال مذهب تشیع را به یک ترتیبی منتقل کرده است که بعد از گذشت این مدت و با استفاده از این ظرفیت، توانستیم یک انقلاب ایجاد کنیم و با استفاده از همین ظرفیت‌های مذهب تشیع، نظام جمهوری اسلامی را شکل دادیم و با همین ظرفیت‌های دینی، در حال تبدیل به یک قدرت جهانی هستیم. اگر حوزه‌های علمیه و طلاب ما اهمیت و ظرفیت‌های این نظام تبلیغات را

مسجد هنوز هم محور تبیین و ابلاغ دین است. در این عصر جدید، باید فضای مجازی در اختیار مسجد باشد تا اگر برای کسی فرصت حضور در مسجد نباشد، در جریان اندیشه‌های دینی قرار گیرد و اگر کسی قبل از ظهر در منزل آشپزی می‌کند، بتواند با استفاده از فناوری جدید باز هم ارتباط خود را با دین حفظ نماید و آن را مستحکم کند

فضای مجازی در حال به هم ریختن ارتباطات معمول جامعه ماست؛ به طوری که یک پدر دیگر امکان مدیریت فرهنگی خانواده را ندارد. همچنین، امکانات مدیران در سازمان‌ها در حال تضعیف است و امکان مدیریت جامعه از سوی دولت در حال ضعیف شدن است و امکان مدیریت جامعه از سوی مقام معظم رهبری هرروز سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود و امکان مدیریت جمهوری اسلامی در سطح جهانی هم مشکل‌تر و سخت‌تر می‌شود. همین‌طور، مسئله مدیریت افراد در زندگی شخصی‌شان هم دچار اشکال شده است؛ یعنی آن‌قدر وقت افراد در فضای مجازی صرف می‌شود که برنامه افراد در زندگی شخصی‌شان هم به هم می‌خورد و برنامه شخصی را نمی‌توان با برنامه‌ریزی قبلی دنبال کرد؛ یعنی فضای مجازی، کارکردهای تخریبی خود را در همه سطوح تحمیل می‌کند

نشاسند و آرام‌آرام این نظام تبلیغات تضعیف شود و به جایش فکر کنیم هنر دینی می‌تواند همان وظیفه را انجام دهد یا اگر این هنر دینی را در فضای مجازی وارد کردیم، مسئله حل می‌شود، فکر غلطی است.

بنده به عنوان فردی که چهل سال کارشناس و مدیر فضای مجازی بوده‌ام، این را عرض می‌کنم که هیچ چیز جای منبر و مسجد را که یک تعامل رودررو در یک محیط جمعی و ذیل نام خدا هست، نمی‌گیرد و هر عاملی این را تضعیف کند، باعث می‌شود تا ما یک چیز کوچک را به دست بیاوریم و در مقابل، برکات بزرگ‌تری را از دست می‌دهیم. ذات دین‌داری در جامعه، به این معناست که دین بیاید و باورهای درونی انسان‌ها را بسازد تا ارزش‌هایشان شکل بگیرد و رفتارهایشان در ارتباطات فردی و اجتماعی کنترل بشود. این، تعریف دین‌داری است و دوباره روی این نکته تأکید می‌کنم که دین‌داری، فقط باور دینی و عشق به اهل‌بیت(ع) و زیارت آنها نیست؛ همه آنها، مقدمه‌ای است تا در رفتار انسان‌ها ردّ پایی از دین‌داری دیده شود. حالا اگر بخواهیم این اتفاق رخ بدهد، باید دو پدیده در کنار هم به یکدیگر کمک کنند: یکی تقویت دین‌داری در درون افراد، و دیگر اینکه فرد در جمع دین‌داری کند؛ دین‌داری در جمع، یعنی حضور در مسجد تا انسان‌های خدا‌باور با هم تعامل کنند.

حالا اگر رسانه‌ای به نام تلویزیون داشته باشیم که در آن صد کانال در اختیار دشمن باشد و یک کانال در اختیار ما باشد و کنار این رسانه، فضای مجازی هم وجود داشته باشد و از طریق این تلویزیون به صورت مستقیم و غیرمستقیم و به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه ابزار فضای مجازی را توسعه بدهیم، زمینه ارتباط گسترده جامعه با فضای لجن‌زار تمدن غرب را ایجاد کرده‌ایم. البته در فضای غرب امور خوب بسیاری پیدا می‌شود؛ اما آن چیزی که به فضای مجازی منتقل می‌شود، قسمت حیوانی پدیده است؛ نه اینکه آنها تکنیک‌های علمی‌شان را در اینترنت و در اختیار جوانان ما قرار می‌دهند. امروزه، وقتی یک جوان بخواهد در فضای مجازی به یک مقاله علمی دسترسی پیدا کند، باید از مسیرهای زیادی عبور کند. اول باید به زبان انگلیسی تسلط عمیق پیدا کند تا مفهوم را بفهمد؛ اما دیدن یک تصویر غیراخلاقی، فقط به انگیزه شهوانی نیاز دارد و به راحتی هم در اختیار او قرار می‌گیرد.

بنابراین، نباید استفاده از فضای مجازی طوری باشد که از طریق این ابزار مدرن، سرمایه‌های بسیار گران‌قیمت خودمان را که همان نهاد روحانیت و حضور این نهاد به صورت پیوسته و گسترده در مسجد است، نابود کنیم و تنها به این فضا روی آوریم؛ به خیال اینکه می‌تواند جای سنگر مهمی چون مسجد را پر کند. اکنون در خصوص ترویج مسائل دینی، در جامعه ما گاهی تحریک احساسات صورت می‌گیرد؛ مسئله‌ای که می‌توان درباره آن گفت در آن رفتار دینی وجود ندارد؛ بلکه بیشتر احساسات دینی وجود دارد. از چنین دینی، نه انقلاب ایجاد می‌شود و نه اصلاح جامعه و نه اینکه در نسل‌های جدید گرایشی به دین به وجود می‌آید. دین احساسی، همان دینی است که فرد عاشق امام حسین (ع) است؛ اما از دهان او کلمات رکیک هم خارج می‌شود، گناه می‌کند و چک بی‌محل امضا می‌کند؛ این دین، برای سایر جوانان نفرت‌انگیز می‌شود.

اهمیت حضور حوزه و روحانیت در فضای مجازی

امروزه، در نهاد حوزه و روحانیت پیشرفت‌های خوبی صورت گرفته است، حوزه در ارتباط با استفاده از ابزارهای جدید و فناوری اطلاعات از پیشگامان است و بسیاری از طلاب و فضلاء حوزه اهمیت این مسئله را درک کرده‌اند؛ اما باید گفت که با این حال، هنوز سرعت تحولات در روحانیت ما کند است. این در حالی است که تحولات جهانی سرعت بالایی دارد. ما انقلاب را از پایگاه مساجد هدایت کردیم و قرار بود که مساجد، پایگاه جوانان و نوجوانان و افراد تحصیل کرده باشند تا عالمانی مشابه علامه مطهری در مساجد حاضر باشند و به جای یک مطهری، هزار مطهری تربیت کرده باشیم.

مسجد هنوز هم محور تبیین و ابلاغ دین است. در این عصر جدید، باید فضای مجازی در اختیار مسجد باشد تا اگر برای کسی فرصت حضور در مسجد نباشد، در جریان اندیشه‌های دینی قرار گیرد و اگر کسی قبل از ظهر در منزل آشپزی می‌کند، بتواند با استفاده از فناوری جدید باز هم ارتباط خود را با دین حفظ نماید و آن را مستحکم کند.

رسالت مطالبه‌گری حوزه‌های علمیه

در حوزه حاکمیتی، یکی از رسالت‌های حوزه‌های علمیه، مطالبه‌گری درست است. برای مطالبه‌گری باید دانشی در حوزه‌های علمیه ایجاد شود که وقتی وزیر ارتباطات نزد مراجع می‌آید، مراجع متناسب با عظمت این مسئله مطالبه داشته باشند. این ظرفیت، الآن در دفاتر مراجع ما شکل نگرفته است. خیلی صریح و بی‌پرده عرض می‌کنم که ابعاد بحث به ترتیبی است که آقایان تسلط بر موضوع پیدا نمی‌کنند؛ بنابراین، باید در کنار هر مرجع تقلیدی، چندین طلبه خوش‌فکر و فاضل با کمک چند استاد دانشگاه متدین با بهره‌گیری از کارشناسانی که در دستگاه‌های اجرایی هستند و با استفاده از منابع مالی که در اختیار مراجع هست، مطالعه کنند و تصویر روشنی در اختیار مراجع قرار دهند و بعد اجازه بدهند وزیر ارشاد و وزیر ارتباطات و شخصیت‌های مختلف اجرایی خدمت مراجع برسند و آنگاه مراجع بر اساس این مطالعات، از وزیر ارتباطات و وزیر ارشاد و وزرای آموزش و پرورش و آموزش عالی مطالبه داشته باشند و حال آنکه این‌گونه نیست. وزیر آموزش و پرورش هر دولتی

بنده به عنوان فردی که چهل سال کارشناس و مدیر فضای مجازی بوده‌ام، این را عرض می‌کنم که هیچ‌چیز جای منبر و مسجد را که یک تعامل رودررو در یک محیط جمعی و ذیل نام خدا هست، نمی‌گیرد و هر عاملی این را تضعیف کند، باعث می‌شود تا ما یک‌چیز کوچک را به دست بیاوریم و در مقابل، برکات بزرگ‌تری را از دست می‌دهیم. ذات دین‌داری در جامعه، به این معناست که دین بیاید و باورهای درونی انسان‌ها را بسازد تا ارزش‌هایشان شکل بگیرد و رفتارهایشان در ارتباطات فردی و اجتماعی کنترل بشود



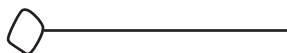
که در دفتر مراجع حضور پیدا می‌کند، باید چند طلبه فاضل حضور داشته باشند که با یک کار آماری ملی که با حداقل ۱۵ هزار دانش‌آموز به صورت تصادفی مصاحبه کنند تا ببینند دین‌داری در آموزش و پرورش در حال کاهش و یا افزایش است و اگر خدای ناکرده این مطالعات آماری علمی، اثبات کرد که دین‌داری در سال‌های آخر آموزشی نسبت به سال اولی که وارد فضای آموزشی می‌شوند، کمتر شده است، آن عالم دینی یا مرجع تقلید به وزیر آموزش و پرورش بگوید شما برنامه‌ها را برای اصلاح این روند ارائه بدهید؛ نه اینکه یک وزیر بگوید: خوشبختانه در مدارس سه هزار نمازخانه ساخته‌ام. قضیه، بسیار فراتر از این است که شما در مدرسه نمازخانه بسازید تا مسئله دین حل بشود.

بحث مطالبه‌گری حوزه‌های علمیه از مسئولان، سرفصلی است که باید برای آن همایش‌ها و سمینارهای علمی برقرار

شود و از همگان دعوت کنند تا بیایند و حرفشان را بزنند و مقاله ارائه بدهند؛ چراکه یکی از کارکردهای مهم روحانیت در تاریخ، مطالبه دین از حاکمیت بوده است. اینکه مقام معظم رهبری به اعضای شورای خبرگان مأموریت می‌دهند که شما باید مطالبه‌گری بکنید، برای این است که ما هنوز نتوانسته‌ایم قوای اجرایی را در خدمت اسلام بگیریم و کاری هم به رئیس‌جمهور یا یک فرد ندارد؛ چون وقتی مطالبه نمی‌کنید، رؤسای جمهور سرگرم مطالبات مادی مردم می‌شوند و اصل رسالتشان در نظام اسلامی مورد غفلت قرار می‌گیرد. بعد از انقلاب، تمام دولت‌ها در این دام قرار گرفته‌اند و الآن در شرایطی قرار گرفته‌ایم که اخبار روزانه ما مربوط به اشتغال و مسائل مادی است و هدف اصلی انقلاب که احیای دین است، مورد غفلت قرار گرفته است و هیچ‌کس از دولت به عنوان بزرگ‌ترین عامل دین‌داری و بی‌دینی جامعه، مطالبه نمی‌کند و در نتیجه، به فضای قبل از انقلاب بازگشت می‌کنیم و می‌گوییم حالا که از دولت‌ها کاری بر نمی‌آید، خوب است با روضه‌خوانی در محله‌ها و به کمک هیئت‌ها و تشکل جوانان در محلات، دین را احیا کنیم. آنها هم در جای خودش مهم است و باید از ظرفیت‌هایشان استفاده کنیم؛ ولی در شرایطی که دشمن به قدرت دین



ما باید هزاران طلبه فهیم در مسائل مجازی داشته باشیم که البته تعداد آنها هنوز کم است. باید کارشناس تخصصی داشته باشیم که کارکردهای فضای مجازی را در عرصه‌های مختلف همچون خانواده‌ها یا مساجد تشخیص بدهد. امیدواریم که فضای مجازی بتواند بستر خوبی برای ارائه معارف دینی و حضور عالمان و مبلغان باشد، تا از آن طریق، اندیشه‌ها و اطلاعات دینی به خوبی در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد و حوزه‌های علمیه ضمن درک درست بحث فضای مجازی و ابعاد آن، رسالت خویش را در این باره به‌درستی ایفا کنند



پی برده است و با همه ابزارهایی که در اختیار دارد، به جامعه هجوم می‌آورد که خانواده را در جامعه متلاشی کند و گرایش ما را به امام حسین(ع) دچار تزلزل کند و باور ما را به امام زمان دچار تردید کند، کل دولت باید وارد صحنه فرهنگی شود.

مقام معظم رهبری به صورت آگاهانه ضمن اینکه ما به مشکلات اقتصادی توجه دارند، همان‌طور که روی مسائل اقتصادی تأکید می‌کنند، می‌گویند: هر کار اقتصادی که انجام می‌دهید، یک پیوست فرهنگی کنار آن بگذارید. ایشان با این بیان، مدیران را متوجه می‌کنند که هر تصمیم اقتصادی که شما می‌گیرید، اثر آن را روی دین هم در نظر داشته باشید. اگر این کار را انجام ندهید، دشمن می‌تواند با ترفندهایی که در اختیار دارد، ما را مجبور کند تا دست از دین برداریم و ما هم مانند اکثریت کشورهای دنیا، فقط یک مسئله داشته باشیم و آن هم توسعه رفاه برای مردم باشد؛ توسعه رفاه برای مردم، یعنی یک حکومت طاغوتی که دیگر ارزش ندارد کسی جانش را فدای حکومت کند؛ چراکه دیگر قداستی وجود ندارد. قداست وقتی وجود دارد که دولت در جست‌وجوی استقرار دین باشد و این امر، امروزه به خطر افتاده است؛ یعنی مطالبه‌گری برای استقرار دین از طریق دولت‌ها، مورد غفلت قرار گرفته است و این، طرفندی است که دشمن در یک طراحی نرم و به صورت تدریجی به ما تحمیل می‌کند تا ما دست از آرمان‌های خویش برداریم.



متأسفانه، رهنمودهای حضرت آقا در این مسئله به‌خوبی فهم نمی‌شود و جریان روحانیت نیز برای کمک به فهم فرمایشات حضرت آقا، در میدان حضور ندارد و تعداد روحانیونی که حرف مقام معظم رهبری را اولاً درک می‌کنند و ثانیاً مطالبه می‌کنند، بسیار اندک هستند که در خود روحانیت هم تکثیر نمی‌شوند، تا به مُدّرس و استاد تبدیل شوند. باید با یک فعالیت کارآمد، این اندیشه در بین طلاب فراگیر شود؛ به اضافه اینکه ما نیازمند حضور کارشناسان دینی هستیم. امروزه ما مگر چند طلبه فاضل

داریم که مسائل فضای مجازی را درک می‌کنند. ما باید هزاران طلبه فهیم در مسائل مجازی داشته باشیم که البته تعداد آنها هنوز کم است. باید کارشناس تخصصی داشته باشیم که کارکردهای فضای مجازی را در عرصه‌های مختلف همچون خانواده‌ها یا مساجد تشخیص بدهد. شما در پزشکی فوق تخصص جراحی زانو دارید؛ یعنی کشور در این باره رشد خوبی پیدا کرده است؛ اما روی اصل مسئله دین، دچار عقب‌ماندگی تاریخی شده‌ایم. امیدواریم که فضای مجازی بتواند بستر خوبی برای ارائه معارف دینی و حضور عالمان و مبلغان باشد، تا از آن طریق اندیشه‌ها و اطلاعات دینی به‌خوبی در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد و حوزه‌های علمیه ضمن درک درست بحث فضای مجازی و ابعاد آن، رسالت خویش را در این باره به‌درستی ایفا کنند. ■